

آیا مدیران فرهنگی که به جشنواره می‌روند برای فروش فیلم‌ها هم کاری می‌کنند؟

متخصصان تورایسم مدیریتی

در سال‌های اخیر کم‌فیلم‌های ایرانی نداشته‌ایم که با اولویت‌ها و پخش بین‌المللی تولید شده‌اند ولی در کوتاه‌ترین گام‌هایشان هم تا کام‌مانده‌اند. آخرین تلاش نا کام مدیران سینمایی برای فتح پرده سینماهای دنیا، از طرف مجید مجیدی، کارگردان پرواژه سینما صورت گرفت. مجیدی پیش از تولید «محمد رسول... (ص)» با جذب چهره‌های برجسته سینمای جهان بین عوامل پشت صحنه، این فیلم را آماده اکران جهانی کرد.

البته در مورد این فیلم مستولان سینمایی پاسخگو نیستند و مدعی‌اند که همه کار به عهده خود عوامل تولید و پخش فیلم «محمد رسول... (ص)» بود. سینمای ایران در پخش بین‌الملل آثار سینمایی همیشه ضعیف عمل کرده است این ضعف هم فقط برای این دولت و مدیران فعلی نیست. بوده‌اند فیلم‌هایی مثل «ملک سلیمان» و «راه آبی ابریشم»، «استرداد» و «فرزند چهارم» که با ادعای پخش و اکران بین‌المللی ساخته شده‌اند ولی در اکران داخل هم موفق نبوده‌اند.

در شرایط فعلی هم با نگاهی گذرا به اخبار حوزه بین‌الملل سینمای ایران، نشان می‌دهند که فرآیند پخش بین‌الملل در سازمان سینمایی ترسیم نمی‌شود؛ چون این دولت هیچ برنامه مشخصی ندارد. گویا کارها به عهده فیلمسازان است و تعدادی از پخش‌کنندگان که در طول این سال‌ها، هم در بدنه سینمای ایران راه یافته‌اند و هم به بازارهای بین‌المللی پخش فیلم. مخاطبان جهانی هنوز سینمای ایران را با فیلم‌های هنری و به تازگی با تک‌فیلم‌های اجتماعی می‌شناسند.

معدود فیلم‌هایی که به واسطه شرکت‌های پخش غیرایرانی در اروپا و آمریکای شمالی به نمایش در می‌آیند. در حال حاضر با خلأ برنامه‌های مدون و اثرگذار در سیاستگذاری‌های بین‌الملل سینمای ایران و همچنین نگاه محدود برای پخش در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی شاهد هستیم که تنها راه عملی برای ورود سینمای ایران به خارج از مرزها، همانی شده است که اصغر فرهادی با موفقیت فیلم «جدایی نادر از سیمین» کشف کرد و برای سایر فیلم‌هایش هم اجرا می‌کند. «جدایی نادر از سیمین» نمونه خوبی از معدود فیلم‌هایی سینمای ایران بود که برای اولین بار توانست اکران بین‌المللی خوبی داشته باشد. شروع موفقیت بین‌المللی این فیلم از جشنواره ۲۹ برلین‌آله تا گلدن گلوب و اسکار باعث شد نام اصغر فرهادی بیشتر از پیش برای پخش‌کنندگان بین‌المللی مشهور شود.

شرکت منتنوفیلیمز اینترنشنال، حق پخش جهانی این فیلم را برعهده گرفت و فیلم اکران خوبی داشت. فیلم‌های دیگر فرهادی هم از جمله فیلم اخیرش «فروشنده» با تکیه بر ظرفیت موفقیت‌های بین‌المللی و به کمک پخش‌کننده خارجی‌اش به بازارهای جهانی راه پیدا کرد. اما با نگاهی گذرا به لیست فعالیت‌های بین‌المللی سازمان سینمایی و بنیاد فارابی، شاهد هستیم که حاصل تلاش‌های معطوف به حضور در بازار فیلم‌ها و جشنواره‌های خارجی، تا به امروز هیچ خروجی مطلوبی برای سینمای ایران نداشته است. هنوز مدیران دولتی نتوانسته‌اند تاثیرگذاری جدی در توزیع و اکران آثار مهم سینمای ایران حتی در همین کشورهای همسایه داشته باشند.

برگزاری پرهزینه جشنواره جهانی فیلم فجر در سه سال گذشته هم نتوانسته، شکلی مدون و منظم برای پخش سینمای ایران ارائه دهد. اگرچه محمد مهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی مثل مدیران سابق بر اهمیت حوزه بین‌الملل تاکید و ابتدا تصمیم داشت برای متمرکز شدن برنامه‌های بین‌المللی سازمان سینمایی، بخشی را با عنوان بنیاد بین‌الملل سینمای ایران راه‌اندازی کند ولی از این تصمیم منصرف شد و همچنان تصمیمات این حوزه به شکلی پراکنده اجرا می‌شود و هیچ نهادی هم پاسخگوی ضعف‌ها و انتقادات نیست.

در سایه کم‌کاری و تکرار سیاست‌های غلط مدیران دولتی، این فیلمسازان هستند که فعلا با همان راهکار «فرهادی»، امید به کسب بازار و اکران بین‌المللی دارند. راهکاری که هم حکایت از انفعال مدیران سینمایی در حوزه بین‌الملل دارد و هم اینکه منجر به این خواهد شد که آثار مبتنی بر نگاه سینمای متعهد و استراتژیک ایران، محبوس به مرزهای اکران داخلی بمانند. همین روند اگر ادامه پیدا کند، خطی که سیر فیلمسازی با قابلیت اکران خارجی را ترسیم می‌کند، در لابی‌ها و دفتر سیاستگذاران جشنواره‌های خارجی شکل خواهد گرفت، نه از درون سینمای ایران.



ایمان رنجبر روزنامه‌نگار



گفت‌وگو

پس از پخش صحبت‌های لیلا حاتمی باز یگر فیلم «خوک» و اظهارات مانی حقیقی کارگردان این فیلم در جشنواره فیلم برلین و بعد از آن واکنش‌های متفاوت رسانه‌ها، با پیش فرض این سوال که مگر فضای غالب جشنواره برلین چگونه است که معمولاً اظهارات هنرمندان در این جشنواره سمت و سوی سیاسی می‌گیرد، سراغ یکی از مدیران دولتی حاضر در جشنواره برلین رفتیم تا در مورد فضای برلین‌آله صحبت کند.

علیرضا تابل مدیرعامل سینمای فارابی در چهار روز اول جشنواره برلین در بخش بازار جشنواره حضور داشته است. مجموعه فعالیت‌های بنیاد سینمایی فارابی به پخش خرید و فروش فیلم‌ها و قراردادهای تولید مشترک بازمی‌گردد. وی نگاهی متفاوت به نوع واکنش‌های رسانه‌ای به جشنواره فیلم برلین دارد که در ادامه می‌خوانید.

اتفاقاتی که در جشنواره امسال و نشست خبری فیلم «خوک» رخ داد، این شائبه را بیشتر کرد که فضای حاکم بر جشنواره برلین، با تمرکز بر آثار خاص ایرانی، متمرکز بر انتقاد از وضعیت سیاسی ایران است. نظراتان در این مورد چیست و اصلا جشنواره برلین امسال با داور گذشته چه تفاوتی داشت؟

فضای جشنواره برلین فضایی کاملا سینمایی بوده است؛ هم در دوره‌های قبل و هم در این دوره. گفت‌وگوها هم در مورد سینما، فیلم‌ها و فرهنگ بود. اصلا هم این طور نیست که تمرکز جشنواره برلین فقط بر سینمای ایران و سیاست‌های ایران باشد. همین سال گذشته فضای جشنواره فیلم برلین با اعتراض فیلمسازان به سیاست‌های آقای ترامپ صورت گرفت. اصلاحی فضای ضد امپریالیستی وجود داشت و حتی خود رئیس جشنواره همان اول نطقی علیه ترامپ بیان کرد. پارسال

گزارش

علیرضا تابلش در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حرف‌های لیلا حاتمی خوب نبود و خیلی تعجب کردم



مورد پرسش روال همیشه به همین شکل بوده است؛ حتی در نشست‌های خبری سینمای ایران هم همین است. یک بار درباره خود فیلم سوال می‌شود، یک بار درباره حواشی یک فیلم سوال می‌شود، یک بار هم درباره سیاست‌های یک کشور بحث می‌شود، چیز عجیب و تازه‌ای نیست. خبرنگار را نمی‌توان محدود و مجبور کرد که چه سوالی بپرسد، چه سوالی نپرسد. خبرنگار هر سوالی بخواهد می‌تواند بپرسد، مابقی ماجرا بر می‌گردد به آنکه هنرمند چگونه و چه جوابی می‌دهد! جشنواره را نمی‌توان محکوم کرد. فضای خبرنگاری و رسانه‌ای فضای زنده‌ای است و ربطی به غرب و شرق و آزادی بیان و غیر آزادی بیان و این حرف‌ها ندارد. البته من در جلسه نقد و بررسی حضور نداشتم و درستش این است که فیلم کامل جلسه را ببینیم و قضاوت کنیم. اما با توجه به فیلم منتشر شده چند دقیقه‌ای از خانم حاتمی، به نظرم صحبت‌های ایشان اظهار نظر خوبی نبود و خیلی تعجب کردم. اما نکته‌ای که وجود دارد، اینکه معمولاً فضای کلی جشنواره‌ها، در رسانه‌ها مورد قضاوت دقیق قرار نمی‌گیرند و جشنواره‌ها آن چیزی نیستند که رسانه‌ها با زتاب می‌دهند. حرفه‌ای‌هایی که

جو، جو ضد ترامپ بود؛ چون تازه رئیس جمهور آمریکا شده بود و مردم تازه با سیاست‌ها و افکارش آشنا شده بودند و فضای جشنواره برلین هم، ضد ترامپ شده بود. این اتفاق فقط برای ایران نیست و فقط هم همین امسال نبوده است. فضای جشنواره برلین، فضای گفت‌و شنود است. در هر جشنواره‌ای و هر فیلمی اصحاب رسانه می‌روند با توجه به فضای فیلم و کارگردان سوالات خودشان را مطرح می‌کنند.

یکی از انتقاداتی که در مورد نشست خبری جشنواره برلین مطرح بود این است که چرا به جای گفت‌وگو درباره اثر سینمایی، از مسائل دیگر مثل موضوعات سیاسی سوال می‌کنند. چقدر با این نظر موافقت می‌کنید؟ هر جشنواره‌ای یک رویکرد سیاسی دارد. این فقط مربوط به جشنواره برلین نیست. همیشه و همه جا به همین شکل بوده است. خود ما در جشنواره فیلم فجر ایران، مثلا یک سال موضوع جشنواره را می‌گذاریم انتفاضه یا موضوعات دیگر. مگر این طور نیست؟ تازه آنها نام خاصی را برای جشنواره قرار نمی‌دهند و خبرنگارها هم مثل همه جای دنیا از آنده سوالی بپرسند. در

به جشنواره می‌آیند، فقط برای کنفرانس خبری نیست. می‌آیند که فیلم جدید ببینند و فیلم جدید بخرند. حتی فیلمنامه خرید و فروش می‌شود و قرارداد تولید مشترک می‌بندند. اما اینکه یک هنرمند نباید نظر شخصی خودش را درباره یک موضوع دست چندم سیاسی در یک کشور مطرح کند به نظر من یک حاشیه کوچک در کنار متن بزرگ جشنواره است. آن جریان اصلی جشنواره همین تبادلات، قراردادهای همکاری و... است، اما رسانه‌ها از دل همین اتفاق فرهنگی یک چیز را درشت می‌کنند و روی آن مانور می‌دهند.

در حال حاضر، روابط سینمای ایران و جشنواره برلین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ الان روابط سینمای ایران و آلمان در سطح خوبی است. آنها سیاست‌های جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند و فقط فیلم‌های با مجوز را پخش می‌کنند. هر چهار فیلمی که از ایران در جشنواره برلین شرکت کرده است، مجوز وزارت ارشاد را دارند. خواهش می‌کنم از اهالی رسانه و خبرنگارها که دنبال این نباشند از ما حرفی و نظری بشنوند که ما بخواهیم آنها را محکوم کنیم یا تشویق کنیم و این روابط بخواهد خراب شود. آنها انتخاب خودشان را کرده‌اند، حالا اینکه فلان گروه یا فلان هنرمند ما آنجا چه کار می‌کند و چه حرفی می‌زند که به جشنواره برلین ارتباطی ندارد؛ نباید کل جشنواره را متهم کرد. ما از آن فضای تیره و تار گذشته عبور کرده‌ایم، زمانی بود که آقای ایوبی، نامه تندی به دبیر جشنواره می‌نوشت؛ اما از آن دوران عبور کردیم و شرایط بهتر شده است. در این مسائل، اصحاب رسانه باید یک فاصله‌ای بگذارند بین این دو اتفاق و نگاه. بارها دیده‌ایم متأسفانه رسانه‌ها از یک حاشیه دست چندم متن بزرگی می‌سازند که من با آن مخالفم. به نظر من رابطه سینمای ایران با جشنواره برلین خوب است، رسانه‌ها آن را خراب نکنند. تا الان جریان سینمای ایران روند خوب و رو به رشدی داشته است، امیدواریم از این به بعد هم حضور سینمای ایران در مجامع بین‌المللی و سینمایی با توسعه بیشتر همراه باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختتامیه جشنواره تجسمی فجر:

هنرهای تجسمی فرصت گفت‌وگویی فرهنگ و هنر ایران با جهان است



فارسی چقدر مخاطب دارد، ارتباط نسلی هنرمندان تجسمی سرمایه‌ای برای ایران است. هنرهای تجسمی در مرکز محدود و محصور نیست. امروز در همه استان‌های ایران می‌توان خلایق‌های متنوع و گسترده را دید. ما باید تلاش کنیم هنرهای تجسمی به عنوان کالای فرهنگ عمومی مورد توجه و اقبال قرار بگیرد. همان‌طور که هیچ انسانی بدون موسیقی و کتاب، زندگی نکرده و متعال نشده است، بدون ارتقای لذت بصری از هنرهای تجسمی به

نیازمند ترجمه زبانی نیست. هر ترجمه مقداری از اصالت متن را کم می‌کند، اما هنرهای تجسمی حرکت می‌کند و بین هنرمند و مخاطب حائل زبانی وجود ندارد. او با بیان اینکه هنرهای تجسمی، هنرهای انسانی و جهانی است، ادامه داد: «باید این دوره جدید را قدر دانست و حضور در عرصه‌های جهانی را تقویت کرد. هنرهای تجسمی فرصت گفت‌وگویی فرهنگ و هنر ایران با جهان است؛ بدون این دغدغه که زبان

دهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر شامگاه چهارم اسفند در تالار وحدت به کار خود پایان داد. بعد از سخنرانی مجتبی آقایی، دبیر جشنواره، نوبت به بخش تجلیل از مفاخر رسید که پیش از آغاز آن، فیلمی با محوریت معرفی هنرمندان آن پخش شد. در این بخش نشان عالی، تندیس و لوح زرین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به هادی شفاییه (عکاس)، حسین محجوبی (نقاش)، امیر هوشنگ جزئی زاده (نگارگر)، ایرج محمدی (مجسمه‌ساز)، عبدالصمد صمدی (خوشنویس)، فریده ظهیری مقدم (سفالگر)، امرا... فرهادی (گرافیست)، اکبر نیکان پور (تصویرگر)، علی دیوان‌دری (کاریکاتوربست) و حبیب... صادقی (نقاش) تعلق گرفت. در بخش دیگری از این مراسم، از مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های خراسان شمالی (حسین فرخنده)، سیستان و بلوچستان (حسین مسگری) و آذربایجان غربی (حجت‌الاسلام محمدباقر کریمی) تقدیر و از کتاب طوبی زرین ۱۳۹۶ رونمایی شد. سپس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به سخنرانی پرداخت. سعیدعباس صالحی گفت: «هنرهای تجسمی علاوه بر اینکه از گستره وسیعی از نظر موضوعی، مفهومی و فرمی برخوردار است، ارتباط بی‌واسطه زبانی با مخاطب خود برقرار می‌کند و

انسان فرهنگی ارتقا پیدا نمی‌کند. هنرهای تجسمی کالای لوکس نیست و صرفاً مرفهان نباید بهره‌بردار این هنر باشند بلکه میلیاردها انسان باید مخاطب و مصرف‌کننده کالای تجسمی باشند.» در این مراسم، حسن قائدی (تهران)، حسن کاکاوند (تهران)، سجاد رافعی (اهواز)، سمانه سلیمی (رشت)، عبدالرحمن مجرد (اردبیل)، میترا سلطانی (تهران)، لیلیانا پتروویچ (صربستان)، مرتضی پورحسینی (تهران)، مهدی بهبودی و نیما بازگان (بابلسر) در بخش رقابتی این رویداد، برنده طوبی زرین جشنواره، لوح افتخاری و جایزه نقدی شدند. همچنین علی راشکی (سیستان و بلوچستان) به‌عنوان هنرمند منتخب استان، لوح تقدیر و جایزه نقدی دریافت کرد.

در بخش پروژه ایستادگرم نیز، طوبی زرین و نقدی به صمد قربانزاده و حسین اسفندانی تعلق گرفت. در بخش تقدیر از مدیران هنری استان خراسان شمالی به احمد تاجی (چهارمحال و بختیاری)، حجت مجرد (اردبیل)، سیدتقی رضایی (خراسان شمالی)، مجید کاظمی (قزوین) و یاسر قادر (آذربایجان غربی) لوح تقدیر و جایزه نقدی اهدا شد. همچنین علی راشکی (سیستان و بلوچستان) به‌عنوان هنرمند منتخب استان، لوح تقدیر و جایزه نقدی دریافت کرد.

چهارسو

تابلوی به سرقت رفته دگا در انویوس پیدا شد



انری از ادگار دگا نقاش مشهور فرانسوی که تصویرگر حضور گروهی از خوانندگان در یک اپرا است، در یک اتوبوس، پیدا شد. این تابلو ۹ سال پیش از موزه مارسی در زده شده بود. در واقع تابلوی «خوانندگان همسرا» که سال ۱۸۷۷ کشیده شده ۱۶ فوریه (هفته پیش) و در بازرسی از چمدان‌های یک اتوبوس در خارج از پاریس کشف شد. ماموران در بازرسی از چمدان‌های بخش بار اتوبوس توانستند این اثر را با امضای دگا کشف کنند. با این حال به گفته وزیر فرهنگ فرانسه هیچ مسافری ادعای مالکیت این چمدان را نکرده است. مقامات رسمی هنوز هیچ نظری درباره اینکه چه کسانی این تابلو را در این مکان گذاشته بودند، ندارد. این تابلو اپرای «دون ژوان» موزارت را تصویر کرده است. در بیانیه‌ای که برای پیدا شدن تابلو منتشر شده صحبتی از ارزش آن نشده است اما گزارشگران قیمت آن را حدود یک میلیون دلار برآورد کرده‌اند. وزیر فرهنگ فرانسه نیز این اثر را متعلق به گنجینه ملی فرانسه خوانده و گفته است نبود آن، برای میراث امپرسیونیست‌های فرانسه بسیار سنگین بود.

پسر سوری سوژه جدید کتاب خالد حسینی



رمان جدید خالد حسینی رمان نویسن افغان-آمریکایی با عنوان «نماز دریا» داستانی شاعرانه و عمیقاً تاثیرگذار خواننده شده است. این کتاب ماه آگوست (اوپال شهرپور) آینده و در سومین سالگرد مرگ آن کردی، کود پنهانده سوری منتشر می‌شود. این بچه سوری سال ۲۰۱۵ و در حالی که خانواده‌اش تلاش داشتند به اروپا برسند، غرق شد. کتاب جدید حسینی در قالب یک نامه نوشته شده و نویسنده نامه پدری است که به تماشای پسرک در خوابش در سفری خطرناک، در دریایی که دارد به آنها دروغ می‌گوید، مشغول نوشتن است. در این کتاب از زبان پدر همچنین روایت زندگی آنها در هومس در سوریه پیش از جنگ روایت و تبدیل شدن سریع شهر به یک منطقه جنگی مرگبار تصویر می‌شود. «نماز دریا» حاصل همکاری حسینی با آژانس پناهندگان سازمان ملل است. حسینی در این باره گفته است: «ما داریم در میانه یک بحران جابه‌جاشدن در ابعاد بسیار بزرگ زندگی می‌کنیم. «نماز دریا» تلاشی برای ادای احترام به میلیون‌ها خانواده شبیه آلن کردی است، که جنگ آنها را از خانه‌شان رانده و همه چیز را از آنها گرفته است.»

ولی... شیراندازی خانه‌نشین شد



ولی... شیراندازی بازیگر پیشکسوت سینما که طی یک سال گذشته به دلیل ابتلا به بیماری دیابت با مشکلاتی مواجه بوده، درباره وضعیت جسمانی خود به «مهر» گفته است: «به دلیل بیماری دیابت پانچم زخم شده بود که بعد از طی دوره درمانی خوب شد و بعد از چند ماه بستری بودن خود را آماده حرکت و فعالیت می‌کردم که به‌شدت روی زمین افتادم و استخوان بازویم شکست. یک شب وقتی داشتم با عصاره منزل حرکت می‌کردم از پهلو به زمین افتادم و استخوان بازویم دچار شکستگی شدید شد. حدود دو ماهی دستم در گچ بود و بعد از آن که باز شد تحت نظر دکتر معالج در بیمارستان هستم تا مشخص شود وضعیت استخوان دستم چگونه است. قرار است یکشنبه ۶ اسفند باز هم مورد معاینه قرار بگیرم تا شرایطم مشخص شود. در همان موقع که دستم شکست با عباس غظلیه مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت تماس گرفتیم و ایشان بلافاصله به عیادت من آمد. ما تحت حمایت بیمه تکمیلی هستیم و از این طریق هزینه‌های درمان تامین می‌شود.»

ادعای یک بازیگر: علی دایی کنکم زد



علی دایی، سرمربی تیم سایپا انگار حاشیه‌هایش تمامی ندارد. تازه توانسته بودند در حاشیه بازی با سپیدرود، او و علی کریمی را با هم آشتی بدهند، که حاشیه دیگری پیش آمد. شخصی که خود را امیرحسام فیوضی شجاعی هنرمند سینما و تلویزیون نامیده است، ادعا کرده قبل از بازی با سپیدرود رشت، علی دایی او را تک زد زده است. به ادعای این بازیگر، او از علی دایی شکایت کرده است. اما وقتی خبرنگاران در نشست خبری بعد از بازی، از دایی پرسیدند علت این اتفاق چه بوده است از اساس تکذیب کرد و گفت چنین شخصی را نمی‌شناسد و اصلا کاری به این موضوعات حاشیه‌ای ندارد و با کسی درگیری نداشته است. «هر کسی می‌تواند هر حرفی بزند من نباید جواب بدهم، کنفرانس خبری بعد از بازی جای این سوال‌ها نیست!» حالا باید دید بعد از همه این حاشیه‌ها ادعای این بازیگر به کجا می‌رسد و شکایتش را چگونه پیگیری می‌کند. علی دایی پیش از این نیز در سال‌های اخیر در عرصه فوتبال و به طور کلی ورزش از جمله ورزشکارانی بوده که با حواشی زیادی دست به گریبان بوده است.

چالش رخشانی بنی‌اعتماد با تلویزیون



اخیرا نمایش مجموعه مستندهای «کارستان» به تهیه‌کنندگی رخشانی بنی‌اعتماد دستخوش حواشی زیادی شده است. ماجرا از این قرار است که بنی‌اعتماد طی ماه‌های اخیر تهیه‌کنندگی این پروژه را به عهده گرفته بود. این مجموعه که با محوریت اشتغالزایی و کارآفرینی ساخته شده و کارگردانی هر قسمت آن را یک کارگردان به عهده دارد، بنا به ادعای بنی‌اعتماد، برای پخش در صداوسیما با مشکلاتی مواجه شده است. رخشانی بنی‌اعتماد در سخنرانی که در روزهای اخیر با برخی از رسانه‌ها انجام داده به این مساله اشاره کرده است که اگر تلویزیون، مجموعه «کارستان» را پخش نکند، او به‌عنوان تهیه‌کننده این آثار را به شبکه بی‌بی‌سی می‌دهد تا این مستندها از این شبکه پخش شوند. اظهارات بنی‌اعتماد این روزها در حالی مطرح می‌شود که پیشتر هنرمندانی چون داروش فرهنگ گفته بودند با شبکه‌هایی چون بی‌بی‌سی و من و تو کار نخواهد کرد، نه از سر ترس بلکه علاقه‌ای به این شبکه‌ها ندارند. «قصه‌ها» یکی از آخرین فیلم‌های بنی‌اعتماد بود که در سال‌های اخیر در سینماها اکران شد.